



## علی‌اصغر احمدی

## تفکر انتزاعی، زمینه‌ساز اندیشیدن به آینده

در تحول روان‌شناختی انسان، ابعاد مختلف شخصیتی فرد از کودکی تا بزرگسالی بررسی می‌شود، از آن جمله تحول شناختی، عاطفی، اجتماعی، بدنی و حرکتی او که بیشتر مورد توجه است. «پیاژه» از روان‌شناسان صاحب‌نظر در رشد روان‌شناختی انسان، برای این تحول، سه دوره و برای هر دوره، دو زیر دوره مشخص می‌کند:

اولی، از تولد تا دو سالگی است که دوره حسّی - حرکتی نامیده می‌شود.

دومی، از دو تا یازده سالگی است که از آن به دوره عملیات منطقی عینی یاد شده است.

سومی، که به لحاظ ساختارهای عقلانی، شامل یازده تا شانزده سالگی است، دوره عملیات منطقی صوری با تفکر انتزاعی نامیده می‌شود.<sup>1</sup>

مشخصه دوره حسّی - حرکتی این است که کودک در این مرحله، منطقی را به جهان اضافه نمی‌کند. در اصل، شیوه رویه رو شدن او با محرک‌ها، به مقتضای درک مستقیم پدیده‌ها بوده و واکنش او هم در مقابل همان ادراک است؛ برای مثال، انسان بزرگسال وقتی به شیئی می‌نگرد، می‌تواند به کمک منطقی عقلانی، حجم و وزن آن را نیز به شکل تفکیک شده درک کند، در حالی‌که چنین تفکیکی در عالم واقع هرگز اتفاق نمی‌افتد. هیچ شیئی را نمی‌توانیم عملاً به دو جزء حجم و وزن تفکیک کنیم و این عقل است که می‌تواند چنین کاری را انجام دهد. کودک در مرحله حسّی - حرکتی، یعنی در فاصله تولد تا دو سالگی از چنین عقل و منطقی بهره نمی‌برد و یا اشیا، همان‌گونه که مستقیماً به ادراک حسّی در می‌آیند، رو به رو می‌شود.

کودک از دو تا یازده سالگی، منطقی را به ادراک‌های خویش می‌افزاید که شکل عینی دارد؛ یعنی فقط در حضور اشیا قابل درک است. کاربرد منطقی در غیاب اشیا که پس از یازده سالگی تحقق پذیر است، تفکر انتزاعی نامیده می‌شود. با تفکر انتزاعی می‌توان درباره پدیده‌هایی که در دسترس حواس نیستند، اندیشید و نتیجه‌گیری کرد؛ مثلاً در پدیده زمان که تنها بخشی از آن در دسترس ما است، به رغم فعلیت نداشتن آینده و گذشته، تفکر انتزاعی انسان، می‌تواند به عمق گذشته رفته و آینده را در امتدادی تا بی‌نهایت بکاود. این یک توانمندی مشترک است که انسان اگر از تحول به هنجار برخوردار باشد، ناگزیر به سطح تفکر انتزاعی می‌رسد و می‌خواهد درباره گذشته و آینده بیندیشد که آینده بشر در این جهان چگونه رقم خواهد خورد؟ او برای پاسخ به این سؤال ناگزیر است یا در قلمرو علوم تجربی جست‌وجو کند یا در پی فلسفه رفته، برای خود برهان‌های فلسفی بجوید. همچنین ممکن است سراغ معارف دینی رفته، از سرچشمه وحی، پاسخ بخواهد و یا این‌که خارج از این معارف، به عالم وهم و خیال پناه برد، در هر حال، انسان با هر چیزی، ناگزیر از پاسخ دادن است.

## کنترل، لازمه زندگی متعادل روانی

عامل دیگری که انسان را به سمت آینده می‌کشاند و او را آماده می‌سازد، ویژگی و تمایل برای اعمال کنترل بر خویشتن و محیط خود است.

انسان به لحاظ روان شناختی، درصد افزایش کنترل بر دنیای درونی و بیرونی خویش است. پرسش بسیاری از نوجوانان درباره این‌که چگونه می‌توان از اراده‌ای قوی برخوردار بود، نشان از همین تمایل دارد. انسان‌ها چه در دنیای خیال و چه عالم واقع، به دنبال گسترش کنترل خویش‌اند. کوشش بسیاری از انسان‌ها برای کسب قدرت، مقام، مال، علم و مدرک یا حتی انجام دادن اعمال مجرمانه، همگی برای گسترش کنترل خود و طرفایان انجام می‌گیرد.

انسان پیوسته در ناخودآگاه خویش، از دست دادن کنترل را پدیده‌ای وحشتناک می‌داند. «بختک» رؤیای وحشتناکی است که اکثر انسان‌ها در دوره‌هایی از کودکی و نوجوانی یا حتی در بزرگسالی تجربه می‌کنند. بختک، رؤیای از دست دادن یک‌سره کنترل است. در این رؤیا، انسان خود را در سیطره موجودی وحشتناک (بختک) می‌یابد که در برابر آن هیچ اراده‌ای ندارد؛ نه توان حرکت دادن اندام‌ها و نه حتی توان فریاد زدن؛ می‌خواهد، ولی نمی‌تواند و سرانجام چنین رؤیایی، بیداری وحشت‌زده انسان است.

کنترل بر خویشتن، در بیماران روانی نیز عامل محوری در گسترش اختلال است. در اصل، چیزی را که یک بیمار روانی از دست داده و تعادل روانی خویش را یک‌سره فرو ریخته می‌یابد، همین کنترل بر خویشتن است. اگر افکار یا اعمال وسواسی به فردی حمله می‌کند، چنانچه افسردگی یا اضطراب سراغ کسی می‌آید، یا افکار پریشان خیالی او را آزار می‌دهد، تا وقتی که احساس می‌کند می‌تواند بر بخش مهمی از شخصیتش تسلط و کنترل داشته باشد، می‌تواند با بیماری خویش نیز کنار آمده، آن را تحمل کند ولی اگر احساس کند که کنترل خود، بیماری یا رفتار اجتماعی‌اش را از دست داده، همه چیز فرو می‌ریزد و بیمار روانی خود را از دست رفته می‌پندارد.

بحث درباره کنترل بر خود و محیط، بسیار است، ولی آنچه درباره آینده عالم بشری و ارتباط آن با کنترل یاد شده وجود دارد، این است که چنین تمایلی در انسان، ناخودآگاه یا نیمه آگاه وجود می‌یابد که در آینده چه جایگاهی خواهیم داشت؛ به عبارتی، تمایل انسان برای کنترل خود و محیطش، جایگاه وی را در آینده‌ای که در پیش رو دارد، زیر سؤال می‌برد. این آینده نه تنها در دنیا، بلکه در آخرت نیز برای انسان مطرح است. داشتن جایگاهی مقبول در آینده، از نیازهای طبیعی و فطری بشر است. انسان فطرتاً تمایل دارد با پیوستن آگاهانه و از روی اختیار به قیام و انقلاب منجی عالم بشری، بر آینده خویش - در آن شرایط - تأثیری کنترل شده داشته باشد.

قرآن کریم همین تمایل را برای آخرت نیز به شکل‌های گوناگون مورد توجه قرار داده است. خداوند با تأکید بر چنین تمایل فطری در انسان و با اشاره به اراده انسانی صراط مستقیم را به او می‌نمایاند:

ذلك اليوم الحقّ فمن شاء اتخذ إليّ ربه مأبياً. 2.  
آن روز حق است؛ هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش برمی‌گزیند.  
در حقیقت قرآن به انسان می‌فرماید:

تو نیز اراده‌ات را برای آخرت گسترش بده و با پیوند دادن اراده خود به اراده الهی، در آخرت نیز بر سرنویشت خویش مسلط باش. در مقابل آنانی که اراده خود را به اراده الهی پیوند نمی‌زنند و سرکشی می‌کنند، با مرگ وارد عالمی می‌شوند که دیگر از خود اراده‌ای نداشته، یک سره تحت سیطره فرشتگان از عذاب‌هایی که دیگر دچار می‌شوند:  
خذوه فغلوه \* ثمّ الجحيم صلّوه. 3.

او را بگیرد و در بند و زنجیرش کنی \* سپس او را در دوزخ بیفکنی.  
علاوه بر تفکر انتزاعی انسان و اعمال کنترل بر زندگی، عوامل دیگری نیز انسان را به آماده شدن برای شرایطی که در آن، آینده بشر رقم می‌خورد و بر اساس وعده الهی، منجی عالم بشری - مهدی موعود(ع) - ظهور می‌کند، تجهیز می‌نماید. سعادت‌خواهی انسان، احساس همدردی با مظلومان و ستمدیدگان، گرایش انسان به حاکمیت افضل و عوامل دیگر، زمینه‌ساز گرایش انسان به سوی آینده‌ای امیدبخش و عادلانه است که تمامی این‌ها در وعده ظهور مهدی آل محمد(ص) تجلی یافته است.

واکنش‌های انسان  
وقتی انسان در پی آگاهی بر آینده خود و عالم بشری است، رایج‌ترین روش کاوش در علوم تجربی، فلسفه و یا دین می‌باشد. این راه‌ها، عالمانه و مبتنی بر عقل است.  
اگر کسی با تأکید بر علوم تجربی آینده خویش را پیش‌بینی کند، هر چند کاری ممکن انجام داده، قابلیت تحقق آن را به سادگی در اختیار نخواهد داشت. علوم تجربی با ماهیتی که دارند، می‌توانند با متغیرهایی که به دقت آن‌ها را تفکیک کرده و در کنترل خود درآورده، سروکار داشته باشند.

این علوم برای شناخت پدیده‌ها، آن‌ها را به اجزای تشکیل دهنده و قابل مطالعه تقسیم کرده، تأثیر و تأثر آن‌ها را بر یکدیگر بررسی می‌کنند، و به شناخت روابط میان پدیده‌ها و در نتیجه، پیش‌بینی وقوعشان در آینده می‌پردازند. در گام‌های بعدی، علم از ترکیب شناختی که درباره اجزا به دست آورده است، به شناختی در مورد پدیده‌های پیچیده می‌رسد. برای مثال علم تجربی توانسته است با شناخت پدیده‌های جوی و طبیعی از یک سو و شناخت قوانین مربوط به هوانوردی و هواپیمایی از سوی دیگر، به قانون‌مندی سفرهای هوایی پی برده، آن را پیش‌بینی‌پذیر سازد و تحت کنترل درآورد. امروزه در سفرهای هوایی، از زمانی که هواپیما از زمین برمی‌خیزد، به دقت تحت کنترل درآمده و فاصله مقصد و زمان فرود آن پیش‌بینی می‌شود. در پدیده‌های فیزیکی از این نوع که مثال زدیم کنترل به دفعات و به خوبی انجام می‌گیرد.

با وجود آن، آیا علم می‌تواند رخدادهای انسانی و اجتماعی را نیز به دقت پیش‌بینی کند و از این طریق آینده را نیز در اختیار انسان قرار دهد؟ پاسخ به شکل نظری، آن است که اگر متغیرهای انسانی و اجتماعی قانون‌مندی‌های حاکم بر آن‌ها مانند متغیرهای فیزیکی و آب و هوایی، دقیقاً قابل شناسایی و کنترل باشند، می‌توان به چنین پیش‌بینی‌هایی نیز رسید، اما در حال حاضر در آینده‌ای نزدیک، دسترسی به چنین دانشی برای انسان ممکن نیست. انسان هر چند توانسته است بسیاری از پدیده‌های فیزیکی را در سیطره دانش خویش درآورد، ولی در شناسایی و کنترل پدیده‌های انسانی، همچنان ناتوان مانده است.

آمریکا با استناد به شواهدی، از قبیل اعتقاد مسلمانان - به ویژه شیعیان - به ظهور منجی عالم بشری 4 وقوع تجربه‌هایی از قبیل ظهور خاتم پیامبران(ص) در سرزمینی به دور از قلمرو فراغنه 5 یا حتی اتکا به پیش‌بینی‌هایی از نوع آنچه «نوستر اداموس» 6 بیان کرده است 7 وقوع خطر را در منطقه خاورمیانه احساس کرده، خود را برای مقابله با آن آماده می‌سازد. اما این احساس‌ها ناشی از دستاوردهای دقیق علمی نیست، بلکه بر یک سلسله فرضیه‌ها و احتمال‌ها استوار است. تجهیزاتی که آمریکا برای مقابله با چنین خطری در اختیار می‌گیرد نیز از روی علم و بصیرت کافی نیست، زیرا وقتی آینده‌ای به دقت قابل پیش‌بینی نباشد، چگونه می‌توان خود را برای رویارویی با آن آماده کرد؟ تنها یک آمادگی کورکورانه، قابل تحقق است.

بنابراین، اگر انسان بخواهد به کمک علم تجربی به زمینه‌های روان‌شناختی انتظار خویش پاسخ دهد - در حال حاضر - علم، توان پاسخ‌گویی دقیق به این مقتضیات را ندارد و آنچه را که از فلسفه برمی‌آید می‌تواند انسان را به سمتی هدایت کند که در آن نویدی برای آینده بشر باشد، اما ممکن است همین معرفت برآمده از دیدگاه بدیهانه برخی فلاسفه، برای آینده بشر تیرگی و شقاوت را پیش‌بینی کند. در هر حال، فلسفه می‌تواند جهتی کلی به شکل سعادت یا شقاوت، برای جامعه بشری نوید دهد و از پیش‌بینی قطعی آن ناتوان است.

در این میان، معرفت دینی و وحی، تنها یک تکیه‌گاه انسان است که می‌تواند به مقتضیات روان‌شناختی انسان برای توجه به آینده پاسخ دهد. انتظار ظهور فردی معین با همه تاریخچه‌ای که در پشت سر دارد و تمام وعده‌هایی که برای پیش‌بینی ظهور او داده شده، یکی پس از دیگری تحقق می‌یابد، حتی بیان کیفیت ظهور و شمار بارانی 8 که در گام اول خواهد داشت و بسیاری از پرسش‌های دیگری که به طور طبیعی و فطری از درون هر انسانی برمی‌خیزد که این خود، از معجزه‌های دین است؛ دینی که به همه نیازهای فطری انسان - به ویژه به این پرسش بشری -

پاسخی بسیار روشن می‌دهد. انسان اگر از قید امیال و شهوات خویش رها شود 9، به طور یقین به آینده‌ای که مکتب الهی محمد و آل محمد(ص) وعده آن را بشارت داده‌اند، نیز خواهد اندیشید.

#### پی‌نوشت‌ها:

\*برگرفته از: گفتمان مهدویت (سخنرانی و مقالات گفتمان چهارم)، مؤسسه فرهنگی انتظار نور، صص 97-104.

1. ر. ک: دکتر منصور، دکتر دادستان، دیدگاه پیازه در گستره تحول روانی.
2. سوره نبا (78)، آیه 39.
3. سوره حاقه (69)، آیات 30-31.
4. شیخ طوسی، الغیبه، ص 180. «قال رسول الله(ص): لو لم یبق من الدنیا الاّ یوم لَطَوَلَّ اللهُ تعالی ذلك الیوم حتّی یبعث رجلاً منّی یواطی اسمہ اسمی اسم آبیہ اسم اُبی یملأ الأرض عدلاً كما ملئت ظلماً.»
5. نهج البلاغه، خطبة 89. «ارسله علی حین فترت من الرّسل و طول هجعة من الامم و اعتزام من الفتن و انتشار من الامور و تلتظّ من الحروب و

الدنيا كاسفة النور...» .

Nostradamus .6

7. سرزهوتن، پیشگویي‌های نستراداموس، ترجمة شهلا المعمي، ص 117.

8. محمدبن ابراهيم نعماني، الغيبه، ص 315، ح 8: «عن أبي جعفر الياقر(ع) قال: أصحاب القائم ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلاً...»

9. آمدي، غررالحكم، ص 168، ح 3318: «قال الامام علي(ع) ظفر بجنة المأوي من أعرض عن شهوات الدنيا، نهج البلاغه، حكمت 474: قال الامام علي(ع) ما المجاهد الشهيد في سبيل الله أعظم في سبيل الله اعظم اجراً ممن قدر فعفُّ لكاد العفيف أن يكون ملكاً من الملائكة».

ماهنامه موعود شماره 77

### بستن پنجره

